اشکال افحش در قائل شدن به نصف النهار واحد و جواب آن:

(00:15)

اشکال اَفحشیّت به نصف النهار شخصی شد. در دو جلسه قبل عباراتی گذاشته شده بود. بند اول آن این بود؛ که اگر ما یک نصف النهار مشخص و معین را برای تنظیم امر شهر و سائر اماکن قرار بدهیم، اینکه شما بگویید: امشب شب سی ام ماه شعبان کابل باشد، در قم شب اول ماه مبارک باشد، درحالیکه فاصله آنها نیم ساعت یا یک ساعت است. اگر شما یک نصف النهار قرار بدهید، که افحش میشود. شما در روز واحد، زیر خورشید واحد با فاصله کوتاهی میگویید آن جا سی ام شعبان است و اینجا اول ماه مبارک است. این اشکالِ افحشیّت بود. عبارت این بود: «اگر نصف النهار مکه را معیار قرار بدهیم، در آن سمت کره که خط زمان واقع است، در وقتی که برای دو طرف خط زمان روز است، باید بگوییم برای یک طرف خط عید فطر است و برای طرف دیگر عید فطر نیست. یعنی روز ارتکازی واحد را میگوییم برای برخی عید فطر است و برای برخی دیگر عید فطر نیست. یعنی در فاصله کمی عدهای روزه میگیرند و میگویند امروز ماه مبارک است، عدهای عید میگیرند و میگویند همین روز عید فطر است. و این از تفاوت حکم آفاق که مشهور میگفتند که براساس منطقهها بود افحش است. پس بههرحال ناچار هستیم از نوعیت. ولو به حسب مناطق واقعه در اطراف خط زمان».

خلاصه این افحش بودن را باید چه کار کرد؟ دو منطقهای که از هم فاصله دارند و یک دیگر را نمیبینند و دور هستند، میتوانیم بگوییم برای یکی سیام شعبان است و دیگری اول ماه مبارک باشد. ولی درجایی که نصف النهار واحد را فرض گرفتید، شما در یک منطقهای بسیار نزدیک به هم، میگویید آن طرف عید فطر است و این طرف سی ام ماه مبارک است.

شاگرد: به چه معیاری نصف النهار واحد قرار میدهید؟

استاد: یعنی مثلاً وحدو الارض است. در اینجا خط زمان پدید میآید. در اینجا اشکال افحشیّت میآید.

شاگرد: یکی قبل از زوال دیده و دیگری بعد از زوال دیده است؟

استاد: نه، نصف النهار واحدی فرض گرفتیم، قوس لیلیِ این نصف النهار ؛ خُب خط زمان دارد و در آن جا مسلمانان هم هستند. این مسلمانانی که در آن جا هستند دو طرف خط واقع شدهاند، طبق نصف النهار واحد، یک طرف یک شنبه است و یک طرف شنبه است. یک طرفش سی ام شعبان است و یک طرف اول ماه مبارک است. یک طرف اول شوال است و یک طرف آخر ماه مبارک است. چرا؟ چون روزشان که یکی است. شما داری یک خط میکشید. این روز را باید به دو منطقه نزدیک هم تفاوت بگذاری. لذا فرمودند: «تفاوت حکم آفاق که مشهور میگویند و شما میگویید میقاتیت را از بین میبرد، این فرض افحش است. پس بههرحال ناچار از نوعیت هستیم، ولو به حسب آن

منطقه واقعه در اطراف خط زمان». شما خط واحد آوردید تا از نوعیت فرار کنید. ولی خُب در خط زمان با همان نوعیت درگیر هستید. خلاصه از نوعیت فرار کردید یا نکردید؟ نوعیت بر طرف شد یا نشد؟ این اصل بند اول ایشان است.

در اینجا یک دسته‌بندی را عرض می‌کنم؛ قبلاً هم عرض کرده بودم. ما در رؤیت هلال، تا این جایی که مباحثه کردیم تقریباً چهار مبنای دستمان هست. دیدم در انجمن [گفتگوی دینی]، موضوعی باز کرده‌اند به نام "ارسال نکات برای رؤیت هلال"، اسم کاربری خود را هم "هلال" گذاشته‌اند. فرمودند من یازده سال است که در مشهد مشغول این بحث هستم، سمینار گرفته‌ام و کارها کرده‌ام. اضافه کرده اند در مباحثه نکاتی مطرح می‌شود که به ذهن ایشان هم آمده است. فرمودند می‌خواهم ارسال کنم. همچنین در مباحثه مطالبی به‌عنوان چیزهای گفته نشده مطرح می‌شود، درحالی‌که قبلا مطرح شده است. گفته‌اند من چطور تماس بگیرم و چطور ارسال کنم؟ حالا هر کدام حوصله کردید ببینید چطور می‌شود ایشان اینها را بفرستند.

شاگرد: در همان جا ارسال کنند.

استاد: بله، می‌شود ولی علی ای حال ای کاش زودتر فرموده بودند. تجربه یازده ساله و ... . علی ای حال فرمودند من این مباحثه را پی جوی می‌کردم. ان شاءالله نکاتشان را به زودی بررسی و از محضرشان استفاده کنیم. در اینجا هم مطرح کنیم و هر چه که از بحث‌های قبلی ماندیم را بگوییم. هم محضر شما و هم برای بعدی ها که این بحث‌ها را پی می‌گیرند نافع باشد. ان شاءالله.

بازبینی #2
ایجاد شده 24 ژانویه 2026 14:15:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژانویه 2026 15:07:49 توسط ... .